



گفت و گویی با نویسنده کتاب زندگی شهید «علی جرایه» و دنلوشته ز بیابش برای او

## چگونه مادر ت را دل داری بدھیم؟



«بتول میرزایی»، نویسنده کتاب «شوق وصال» روایتی داستانی از زندگی و خاطرات شهید علی جرایه را به نگارش درآورده است. انتشارات «مهر آیش» در تیر ماه امسال این کتاب را به چاپ رسانده است. «میرزایی» درباره نوجوان ترین شهید جنگ تحمیلی می گوید که شناسنامه و پرونده شهادت علی جرایه به طور اتفاقی توسط فرمانده اسبق شهرستان آبدانان مورد بررسی قرار گرفت. وی از بنیاد شهید درخواست معرفی یکی از شهدای نوجوان را برای دیدار با خانواده اش دارد و زمانی که پرونده شهید را مطالعه می کند، متوجه می شود علی جرایه به لحاظ سنی از شهید حسین فهمیده کوچک تر است. پس از اعلام این خبر به فرماندار، ایشان به بنیاد شهید استان و استانداری نیز اعلام می کنند و در سال ۱۳۸۹ پس از بررسی های لازم و تطبیق سن شهید و شناسنامه ایشان، علی جرایه به عنوان نوجوان ترین شهید کشور ثبت می شود.

کار کردن درباره شهدا دغدغه زندگی ام بود

این نویسنده در خصوص چگونگی نگارش کتابش می گوید: «من در شهرستان ایلام مدرس دانشگاه هستم و کارهای پژوهشی زیادی انجام داده ام اما کار کردن در باره شهدا همیشه دغدغه زندگی ام بود. مراد جرایه برادر شهید از دانشجویهای من بود. ایشان از من خواست تا درباره شهیدشان کتابی بنویسم. جالب است که من به رغم مشغله زیاد همان لحظه قبول کردم و در اولین اقدام سراغ خانواده شهید رفتم. در این اثنا یکی دیگر از دانشجویها اعلام کرد که در کار تهیه و تدوین و کارگردانی شهدای شاخص است و ما می توانیم همزمان مستندی نیز درباره این شهید بسازیم. در واقع خود به خود به مدد روح پاک شهید کارها پیش می رفت.»

هدفم از نگارش این کتاب...

«میرزایی» درباره هدفش از نگارش این کتاب می گوید: «مشکل اصلی در بحث مصاحبه ها این بود که حافظه مادر شهید به علت کهولت سن، یاری به یاد آوردن خیلی از مسائل و مطالب مربوط را نداشت و از دوران کودکی شهید، تکیه ما بر مصاحبه های هم کلاسی ها، رفقای قدیم و یکی از برادرانش بود. من فهرستی از تمام همزمان و دوستان دوران کودکی و نوجوانی شهید تهیه کردم و سراغ همه رفتم. حتی کسانی که در نقاط دور افتاده زندگی می کردند. اطلاعاتی که درباره این شهید در کتابم نوشته ام، جامع ترین اطلاعاتی است که وجود دارد. هدف من از نوشتن این کتاب، نشان دادن جسارت و بی باکی شهید جرایه به نوجوانان امروزی بود. به خصوص در این روزها که شاید فرهنگ ایثار و شهادت بین نوجوانان و جوانان کمرنگ شده باشد.»

دنلوشته این نویسنده برای شهید

«علی جان چگونه دلت آمد شهر بانوی مادر را که هنوز چشم به راهت هست تنها بگذاری. بی شک ما وطن را از مادر ت بیشتر دوست داشته ای که این گونه ایثار کرده ای! و اما مادر ت شهر بانو، این سمبل صبر و استقامت که شب هایش را با عطر خوش کوله ات صبح می کند و کورسوی چشمان ناتوانش را هر روز با عکس زیبایی و روانتر می کند. چه بگویم؟ چگونه دل داری اش بدھیم؟ اصلا خودت بگو کدام مادر است که بتواند این همه سال داغ نوجوان فرزندش را فراموش کند؟ علی جان هیچ فردی نمی داند حس خوش نوشتن درباره اسطوره ای که همنام حیدر کرار است و راهش را هم تضایی، چقدر فرح بخش است! از روزی که نام مقدس ات در زندگی ام برده شد، هر روز خوش تر از روز گذشته ام. من قلمم را با نامت متبرک کرده ام و هر قلمی که از تو همنوعان تو بنویسد قلمی است که از پل صراط به راحتی عبور می کند. من به خود قلمی به بالم که توانستم از تو بنویسم و خدا را شاکرم که در طول عمرم مقنخر به نوشتن پرواز کبوتری شده ام که از همان اول شوق پرواز داشت. کاش می توانستم این شوق را زیباتر به تصویر بکشم. عذر مرا از ساحت مقدست پذیرا باش.»



گفت و گوبا «شهربانو دشتی» که مادر نوجوان ترین شهید جنگ تحمیلی است

## پسر م دلتنگ صد ایت هستم

شهید «علی جرایه»، فرزند سوخته زار و شهربانو در نخستین روز مهر ۱۳۵۰ در سراباغ آبدانان از شهرستان ایلام در خانواده ای عشایر متولد شد و هنوز ۱۲ بهار بیشتر پشت سر نگذاشته بود که درس و مدرسه را ها گرد و به فرمان امام خمینی (ره) لیبیک گفت. در زمان جنگ تحمیلی به عنوان رزمنده بسیجی به گردان ۵۰۴ محرم، تیپ ۱۱ امیر المومنین (ع) سپاه پیوست. این بسیجی نوجوان در اولین روز اسفند سال ۱۳۶۲ طی عملیات والفجر ۵ در منطقه عملیاتی مهران از ناحیه سر هدف اصابت خمپاره قرار گرفت و به آرزویش که شهادت بود، رسید. پای صحبت های شهربانو دشتی، مادر ۸۱ ساله این شهید بزرگوار می نشینیم تا از نوجوان ترین فرزند ی که به اسلام تقدیم کرده، بیشتر بدانیم.

علاقه خاصی به پسر م داشتم

تابلوی بزرگی از تصویر علی را به دیوار خانه زده و روبه رویش چهارزانو نشسته است. نمی تواند فارسی صحبت کند. برای همین کردی می گوید و پسرش مراد، فرزند آخر خانواده، برایم ترجمه می کند: «پسر م علی، عزیز من بود. خوب من بود. علاقه خاصی به او داشتم و به خاطر سش، به نسبت دوبرابر دیگرش را، رابطه عاطفی و انس بیشتری با هم داشتم.» شش پسر و یک دختر دارد و

علی بچه سوم بود. همرش سال ۱۳۸۶ فوت شد و شهربانو را با داغی دیگر تنها گذاشت. حالا سال ها از دلتنگی هایش می گذرد اما همچنان چون شیر زنان کرد صبری می کند. می گوید: «ما عشایر بودیم. بیشتر کارها بر دوش پسر ها بود و علی با آن سن کم، کمک دست ما بود. از مدرسه که بر می گشت، با کتاب و دفتر می رفت برای گله داری؛ عصای دستان بود.»

از مدرسه تا جبهه

به گفته شهربانو، علی کار کردن با اسلحه را خوب می دانست. برای همین وقتی به پادگان محله شان مراجعه کرد، فوری قبول شد و به جبهه اعزامش کردند. مادر این شهید از حال و هوای آن روز هایش می گوید: «چون لب مرز و دروستایی دور افتاده



## جدول متوسط [شماره ۷۳۳۷]

	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱																				
۲																				
۳																				
۴																				
۵																				
۶																				
۷																				
۸																				
۹																				
۱۰																				
۱۱																				

	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	ر	ا	ی	۵	م	ل	ب	و	ر	ن	۱	س	ت	ا	ق	۱	۱	۱	۱	۱
۲	ا	ی	۱	ل	۱	خ	ز	ا	ن	ک	ب	و	ر	۱	م	۱	۱	۱	۱	۱
۳	۱	۱	د	ا	ل	۱	م	و	ر	د	۱	م	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۶	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۸	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۹	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱

حل جدول شماره ۷۳۳۶

افقی:

۱-عشیره - درجه ای در ارتش -  
۲- قنات - هوس زن باردار -  
۳- مصون - پسوند مالکیت - دور  
۴- انداختن - بی رونق - درخت همیشه  
لرزان ۴- به دنیا آوردن - کیش -  
۵- ابلیس - پول چین - بوی رطوبت -  
۶- ضمیر متکبر - پسوند شباهت - می  
دهند و رسوای می کنند - زیر پا مانده  
۷- میز م - غلاف شمشیر - بنیان  
۸- برهنه - آب عرب - نوعی پاپوش -  
۹- رونق - فلز سرچشمه - شورا - میان  
۱۰- نت استمرار - پنبه پاک نکرده -  
جاری - درخت انار - سر - گل سرخ -  
۱۱- نزدیک نیست - دژ خیم - اجرای که  
به دور ستارگان می چرخند - بشقاب  
بزرگ ۱۰- کج - خنده رو - شهری در  
سیستان و بلوچستان - اشاره ۱۱- زخم  
آب کشیده - پختگی - ارشاد - رنگ

عمودی:

۱- نغمه - آبریز ۲- حرف دهن کجی - بی  
سواد - چهل و دومین سوره قرآن کریم  
۳- از حروف الفبا - آتش - نخ تابیده  
۴- زیرک - دانه کبی بی آزار - شامه نواز  
۵- عفريت - بالاترین نقطه - رود اروپا  
آخرین توان - گیرا ۷- عالی - بینش -  
عابد و پارسا ۸- هجوم - زهر - زراعت

## جدول سخت [شماره ۵۴۸]

	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱																				
۲																				
۳																				
۴																				
۵																				
۶																				
۷																				
۸																				
۹																				
۱۰																				
۱۱																				

	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	ر	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۶	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۸	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۹	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱

حل جدول شماره ۵۴۷

بر روی مرقع بزرگان دینی- روز عرب ۸- غیر  
قابل انکار - چرخ چاه ۹ - مفلس - از توابع  
گیلان - چله گمان ۱۰ - ممغی بسیار تلخ - تخم  
گیاه ۱۱ - جسمی - شعله آتش ۱۲ - محل  
رود - عضو شامه - راز هفته ۱۳ - سنگینی  
معدبر اثر هضم نشدن غذا - شاه بنیان گذار  
نوروز ۱۴ - گودال - نابودی - رنگ نشده!  
۱۵ - آب میان بافتی - آرامش بخش ۱۶ -  
تکیه کلام درویش - اقیانوس کبیر ۱۷ - جذب  
کننده - گرفتگی زبان ۱۸ - شمردن - سست و  
تنبل - روستای گردشگری شانندیز ۱۹ - جaro  
- عطر ماهیه ۲۰ - واضح و قابل شنیدن - نوعی  
ساز شبیه ساز دهنی

۱ - مجموعه بوی افزار - نام اصلی رودکی،  
استاد شاعران فارسی زبان ۲ - خالص - طلوع  
کردن - معالجه - نشانی ۳ - عبور و مرور  
وسایل نقلیه - واحد نظامی - امضای حکم  
مسئولیت - دو تا الف ۴ - باغ وحش خارجی -  
مستعمل - برچسب - از ظروف آشپز خانه  
۵ - اعلان - لباس کشاف - دومین دور قمی  
- واحد اندازه گیری مقاومت الکتریکی  
۶ - فینال - محوطه ورزشی سرپوشیده -  
شور و غوغا ۷ - اولین شهر تاریخی ما که در  
فهرست میراث جهانی ثبت رسید - بامداد  
- برانگیختگی درونی - آموزگاه ۸ - ماه  
نو - فضای ذهنی - دریانورد - ویتامینی که  
در بدن ذخیره نمی شود ۹ - مکمل زیبایی  
رو - باکتری میله ای - اسب سرخ و سفید -  
کسب روزی ۱۰ - نوعی شکلات - از قبایل  
قدیمی اعراب - مجموعه داستانی نوشته  
بزرگ علوی - ورزش آبی ۱۱ - در زمانی بسیار  
کوتاه - مخلوط کن

عمودی:

۱ - آنچه در ذهن است اما واقعیت خارجی  
ندارد - شبیه و روش ۲ - قورباغه درختی -  
روی قاب پنجره می اندازند ۳ - نوعی بیماری  
واگیر فونی - استارت قدیمی - قیمت بازاری ۴  
- عالم به احکام شرعی - شهرستانی در استان  
قزوین ۵ - بانگ شتر - به هیچ وجه ۶ - مجموعه  
نامه های مولوی که به افراد مختلف نوشته است  
- احساس ۷ - حرف ندا - ساز ای چوبی یا فلزی